



# اقتراح

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

\* بیانیه‌ی حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت افاضاته) درباره‌ی دعا  
\* سخنرانی آیت الله اعرافی (دامت افاضاته) در همایش بین‌المللی «دعا در ادیان آسمانی»  
در کشور سوریه





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### بیانیه‌ی حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت افاضاته) درباره‌ی دعا

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی جمیع انبیاء و المرسلین و الائمة الهداة المهتدین سیما خاتم الانبیاء و خاتم الاوصیاء (علیهم آلاف التحية و الثناء). بهم نتولی و من اعدائهم تتبرء الی الله.

حضور شما سروران گرامی خیر مقدم عرض می‌کنیم و از خداوند متعال خواستار موفقیت شما هستیم در آنچه که می‌پسندد و صلاح می‌داند.

موضوع این جلسه «جایگاه دعا در ادیان آسمانی» است. در اینجا بایستی توضیح دهیم که دعا یعنی چه و دین آسمانی چیست؟ همچنین این مسئله را بررسی می‌کنیم که آیا دین آسمانی تکثر می‌یابد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا تکثر امکان‌پذیر است؟ اگر امکان دارد، به چه وسیله‌ای این تکثر، محقق می‌شود؟ در اینجا مباحث مهم دیگری مانند تفسیر کیفیت دعا و پذیرش قضاء و قدر و... نیز مطرح می‌گردد.

دعا به معنای درخواست و تقاضای دانی (مادون) از عالی (مافوق) است. دانی نیازمند است و عالی بی‌نیاز که توانایی برآورده کردن نیازهای او را دارد. بنابراین بایستی مادون از مافوق خواسته‌هایش را بطلبد و برآورده شدن نیازهایش را درخواست کند. این معنای عام دعا در لغت است. اما معنای اصطلاحی دعا در آیات و روایات بسیاری وجود دارد که انشاء الله بیان خواهد شد.

دین مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاقیات، احکام و حقوق است. دین یک قانون الهی است که قانون‌گذار و مؤسس دیگری غیر از خداوند متعال ندارد، همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «ان الحكم الا لله» حکم و فرمان نیست مگر برای خدا. دین به این معنا یعنی انقیاد و خاکساری برای خداوند متعال و تسلیم‌بودن در مقابل او که تعبیر «اسلام» از آن یاد شده است. این انقیاد برای خدا در تمام ابعاد اعتقادی، اخلاقی، حقوقی، کلام و... در



نزد خدا ثابت است؛ طبق این آیه «إن الدین عند الله الاسلام». همانا دین در نزد خدا، تسلیم بودن است.

از این جهت که خداوند از آن با عنوان «عند الله» تعبیر کرده است. خداوند در سوره‌ی نحل می‌فرماید «ما عندکم ینفد و ما عند الله باقی» آنچه در نزد شما است، از بین می‌رود و آنچه در نزد خداست، باقی می‌ماند. پس اسلام واحد بدون کثرت و باقی بدون زوال است.

«و لن تجد لدین الله تحویلاً» هرگز در دین خدا دگرگونی نمی‌یابی.

«و لن تجد لدین الله تبدیلاً» هرگز در دین خدا تبدیلی نمی‌یابی.

این دین است، این اسلام است که یکی است و دومی ندارد، جمع نمی‌شود و تعبیر از آن به ادیان اسمانی امکان ندارد؛ چرا که واحد نه دو می‌شود و نه تکرار. زیرا تکرار و حد پذیری از صفات قانون و اسلوب است، همان‌گونه که خدا می‌فرماید: «لکل جعلنا شرعة و منهاجاً» برای هر کسی قانون و اسلوب قرار دادیم.

پس قوانین و اسلوب‌ها متعدد و متنوع است، در حالی که دین، واحد است.

بحث در دو محور مطرح می‌شود. یکی جایگاه دعا در اسلام و دیگری جایگاه دعا در شرایع است. از آن جایی که اسلام دین واحدی است که توسط پیامبران آورده شده است. از آنجایی که اسلام دین واحدی است که توسط پیامبران آورده شده است که هر کدام تصدیق‌کننده‌ی دیگری است که توسط پیامبران آورده شده است که هر کدام تصدیق‌کننده‌ی دیگری است، بنابراین در دین الهی نه اختلافی است و نه تخلفی.

اگر دعا در اسلام، یک امر تحقق یافته و ثابت شده‌ای باشد، در این صورت دعا در تمام ادیان وجود خواهد داشت؛ البته اگر تعبیر به ادیان، صحیح باشد. دعا در تمام ادیان آسمانی، حق است، یک مسئله ثابت است.

چرا؟ زیرا تمام ماسوی الله نیازمند و فقیر و ممکن و محتاج به خداوند متعال هستند، همان‌گونه که خداوند در رابطه با انسان می‌فرماید: «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی» ای مردم شما نیازمند به خدا هستید و خداوند بی‌نیاز است.

پس حق این است که ماسوی الله نیازمند به خداوند هستند و صحیح است که گفته شود ای مخلوق! چه شیء و چه گیاه، چه حیوان و چه انسان، چه جن و چه فرشته، چه فلک و چه ملک، تو نیازمند به خدا هستی و خدا بی‌نیاز است، انسان نیازمند است، زیرا مخلوق است و هر مخلوقی نیازمند است. «ای مخلوقات شما به خدا نیاز دارید». خداوند

در سوره‌ی الرحمن بر این گفته، استناد می‌کند «و یسئله من فی السموات و الارض» هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از او درخواست می‌کنند.

چرا که همه چیز ممکن الوجود و مخلوق و نیازمند هستند و نیاز بر آنها واجب شده است، پس آنها نیازمند به خداوند متعال هستند. نه بی-نیازی غیر از خدا و نه اجابت کننده‌ای غیر از او هست. دعا برای هر آنچه که در آسمان‌ها و زمین و مابین آن دو است، عام و شامل است؛ پس انسان نیازمند به خداوند متعال است و هر نیازمندی برطرف شده نیازهایش را از بی‌نیاز می‌خواهد و تقاضا می‌کند. بنابراین انسان دعا می‌کند و برآورده شدن نیازهایش را از خدا می‌طلبد، همان‌گونه که سایر موجودات به غیر از انسان نیز از خدا درخواست می‌کنند. «یسئله من فی السموات و الارض».

خداوند متعال اجابت کننده‌ی همه است، در آنجا که می‌فرماید: «کل یوم هو فی شأن» او هر روز در یک شأن و رتبه‌ای است. هر روز یعنی در هر ظهور و تجلی. پس اسلام دین واحدی است که به تمام پیامبران از آدم تا خاتم‌الغیب علیهم‌السلام و الثناء و وحی شده است.

از این رو اسلام نخواهد بود مگر با دعا. «الدعاء مَخَّ العبادَة» دعا مغز و هسته‌ی عبادت است. دعا مانند سایر عبادت‌ها در متن اسلام گنجانده شده است. به همین دلیل هر پیامبری تصدیق کننده‌ی پیامبر قبلی‌اش است. چرا که دین واحد است و نبی سابق و نبی لاحق هر کدام از آنها دینی را آورده‌اند که اختلاف و تخلفی در آن نیست. به همین جهت قرآن تصریح می‌کند که پیامبر لاحق (بعدی) تصدیق کننده‌ی پیامبر سابق (قبلی) است. این معنای دعا در اسلام است.

اما محور دوم بحث جایگاه دعا در شرایع و مناهج است، آنجایی که خداوند می‌فرماید: «لکل جعلنا شرعةً و منهجاً»، برای هر کسی قانون و اسلوب قرار دادیم. از آن جهت که انسان در هر زمان و مکانی که باشد، علاوه بر نیازهای عمومی، نیازهای خاص خودش را هم دارد و علاوه بر درخواست‌های عام، درخواست خصوصی و شخصی هم دارد؛ پس هر دوره و زمانه‌ای و هر مکانی و نسلی، یک سری نیازها و تقاضاهایی دارند؛ لذا دعاها و اجابت‌ها مختلف است.

حضرت آدم علیه‌السلام زمانی که مبتلا شد به آنچه که شیطان در بهشت او را وسوسه کرد و گفت: «هل أدلک علی شجرة الخلد و ملک لایلی» آیا تو راهنمایی کنم به درخت جاودانگی و فرمانروایی زوال‌ناپذیر.





او و همسرش حوا عَلَيْهَا گرفتار و سوسه شدند تا آنجا که از بهشت رانده شدند و گفتند: «ربنا اننا ظلمنا انفسنا» پروردگارا ما به خودمان ظلم کردیم. پس آدم عَلَيْهِ از خدا درخواست کرد که آنها را ببخشد. این دعای حضرت آدم عَلَيْهِ است. اما دعای حضرت نوح عَلَيْهِ که بسیار معروف است، این می‌باشد؛ «انی مغلوب فانتصر» من درمانده و شکست خورده هستم، یاری ام کن.

حضرت نوح عَلَيْهِ یک بار برای خودش دعا می‌کند و یکبار بر علیه قومش دعا می‌کند؛ «لاتذر علی الارض من الکافرین دیاراً» پروردگارا باقی نگذار بر روی زمین از کافرین، جنبنده‌ای را.

دعا چه به نفع باشد و چه بر علیه، اجابت کننده‌ای به غیر از خدا نیست. پیامبران بعد از حضرت نوح عَلَيْهِ نیز همواره به درگاه پروردگار دعا می‌کردند تا نوبت به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ رسید که درخواست ارائه حق و از بین رفتن باطل را از خدا کرد. دعای ایشان معروف و مشهور است به نحوی که احتیاج به بیان ندارد، حال چه برای شناخت مبدأ باشد و چه برای شناخت معاد و کیفیت زنده شدن مردگان. «رب ارنی کیف تحیی الموتی» پروردگارا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می‌کنی.

اینجا مطلب ارزشمند و گران سنگ دیگری به چشم می‌خورد و آن این است که ابراهیم عَلَيْهِ از خدا نشان دادن قدرت بر احیای مردگان را نخواست؛ زیرا او قبل از این درخواست، در سخنانش به مسئله‌ی احیای مردگان استدلال کرده بود، آنجایی که می‌فرماید: «ربی الذی یحیی و یمیت» پروردگار من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.

این تقاضا نه برای آشکار شدن و نه برای طلب علم است، زیرا خداوند قادر بر احیای مردگان است و نه برای بیان کیفیت اینکه چگونه مردگان زنده می‌شوند؛ بل برای این از خدا خواست که «خدایا به من بیاموز که چگونه مردگان را زنده کنم» تا اینکه مظهر اسم محیی باشم و من به اذن تو مردگان را زنده می‌کنم و محیی می‌شوم.

این مذهب گرانبهایه و ارزشمند و عالی جاهی است. به هر تقدیر، دعای ابراهیم عَلَيْهِ نه در یک آیه، بلکه از آیات بسیاری معروف است. سیر دعا جریان می‌یابد تا نوبت به اسحاق و یعقوب و یوسف می‌رسد که هر کدام از آنها به آستان قدسی خداوند سبحان دعا کردند. دعای یوسف عَلَيْهِ شناخته شده و معروف است که می‌فرماید: «ربّ السجن حبّ الیّ ممّا یدعوننی الیه» پروردگارا زندان برای من محبوب‌تر است از آنچه که اینها مرا به آن فرا می‌خوانند.

بعد از یوسف علیه السلام نوبت به داود و سلیمان و مزامیر داود می‌رسد که مضامین آن مشهور به دعا است. «و آتینا داود زبوراً» و به داود زبور دادیم. زبور داود علیه السلام مملو از درخواست و دعا و حکمت است. در واقع مزامیر و زبور داود علیه السلام سرشار از تعدادی دعا است و همچنین سلیمان علیه السلام.

در اینجا به حضرت موسی علیه السلام می‌رسیم. دعای ایشان در اربعین معروف است، هنگامی که از خدا خواست مناجات دلنشینی می‌کند. «و اعدنا موسی ثلاثین لیلةً و اتمناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلة» و به موسی وعده‌ی سی شب را دادیم و باده شب دیگر تمام کردیم، پس میقات پروردگارش چهل شب بود. موسی علیه السلام مناجاتی و داعی و متکلم است، همانگونه مورد خطاب و شنونده هم هست. بنابراین اربعین کلیمیه معروف است و سرشار و آکنده از دعا و نجوا و نوا و راز و نیاز است. به این سخن موسی علیه السلام برمی‌خوریم که می‌فرماید: «رب ارنی انظر الیک» پروردگارا به من نشان بده که به تو بنگرم.

دعای موسی علیه السلام مراتب و درجات دارد. یکی از مراتبش درخواست هدایت قومش است و برخی از دعاهایش درخواست رؤیت است که بین این دو، مراتب و تفاوت هست. همچنین هارون علیه السلام نیز از دعاکنندگان می‌باشد. آنجا که در قرآن آمده: «قد اُجیب دعوتکم» دعای شما دو نفر اجابت شد.

موسی علیه السلام در رابطه با امور زیادی از خدا طلب و تقاضا داشت از جمله: شرح صدر، «رب اشرح لی صدری» پروردگارا سینه‌ی من را گشاده گردان. گشایش لُکنت زبان، «واحلل عقدة من لسانی» گره از زبانم بگشا. آسان شدن کارها، «یسر لی امری» کارم را آسان بگردان.

مشارکت برادرش هارون در امر رسالت، «واشکره فی امری» او را در کارم شریک نما. خداوند به اجابت این درخواست‌ها و دعاها تصریح می‌نماید و می‌فرماید: «لقد اوتیت سؤلک یا موسی» ای موسی آنچه می‌خواستی به تو دادم. موسی علیه السلام دعای خاص دارد و هارون علیه السلام دعای مخصوص. بعد از این قسمت به عیسی علیه السلام و مادرش می‌پردازیم. عیسی مسیح علیه السلام گفت: «رب انزل علینا مائدةً من السماء تکون لنا عیداً لأولنا و آخرنا» پروردگارا طعمایی از آسمان بر ما نازل بفرما تا عید و برکتی برای ما از پیشینیان و پسینیان باشد. وی علاوه بر این دعا و غیر از این موضع، همواره مناجات‌کننده، ندا دهنده، دعا کننده و درخواست کننده بوده است.

دعا کردن از آدم تا عیسی و از عیسی تا آدم، مسلم و مشهور است و شکی در آن نیست؛ چرا که خداوند متعال پس از ذکر نام تعدادی از انبیاء تصریح می‌کند که «یدعوننا





رغباً و رهباً» از روی شوق و خوف ما را می‌خوانند. بنابراین دعا نه به آدم، نه به نوح، نه به ابراهیم، نه به موسی، و نه به عیسی اختصاص دارد، آنجایی که در مورد پیامبران اولوالعزم می‌فرماید: «یدعوننا رغباً و رهباً».

می‌توان چنین گفت که دعای ترغیبی یک مسئله است و دعای ترهیبی یک مسئله دیگر، دعای ترس از آتش جهنم یک امر است و دعای شوق به بهشت امر دیگری و دعای بالاتر از این دو یعنی طلب لقاء امر دیگری می‌باشد.

آیات بی‌شماری در بردارنده‌ی دعای پیامبر ﷺ است، آنجایی که خداوند به ایشان امر به درخواست مبنی بر افزونی علم می‌کند و می‌گوید: «رب زدنی علماً» پروردگارا علم مرا زیاد کن.

«رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعلنی من لدنک سلطاناً نصیراً» پروردگارا ورودی و خروجی من را در هر امری همراه با راستی و درستی قرار بده و از نزد خودت برای من قدرت یاریگر قرار بده.

و... اینها مواردی از ادعیه‌ی پیامبر ﷺ است که در قرآن ذکر شده است. پس بایستی روشن شود که دین اسلام چیست و شریعت و قوانین و سبک و اسلوب چیست؟ دعا چیست؟ دعایی که در اسلام گنجانده شده است با دعایی که در شریعت است، فرقی دارد؟ ... امر مهم دیگری که نیاز به بررسی و تحلیل دارد، این است که آیا دعا و تقاضا با قضاء و قدر الهی منافات دارد یا خیر؟

و دیگر اینکه اقسام دعا چیست؟

پاسخ به مبحث اول این است که بین دعا و قضا و قدر منافات و ضدیتی مشاهده نمی‌شود؛ زیرا دعا و سؤال و طلب و استدعا از اشکال و زیر مجموعه قضاء است. یعنی خداوند متعال مقدر کرده که اگر بنده‌ای درخواست کند و دعا نماید، حتماً خداوند آن را اجابت می‌کند و اگر درخواست و طلب نکند، اجابت هم نمی‌شود. خداوند می‌فرماید: «ادعونی استجب لکم» مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

پس خداوند متعال اگر چه انجام می‌دهد آنچه را که می‌خواهد، اما این اجابت از روی حکمت است، همانگونه که امام سجاده علیه السلام در صحیفه‌ی سجاده‌ی به این نکته تأکید و تصریح دارند. «یا من لا تبدل حکمته الوسایل» ای خدایی که اسباب و وسایل، حکمت تو را عوض نمی‌کند.



خداوند متعال حکیم است و کاری را انجام نمی‌دهد مگر به خاطر حکمتی و کاری را ترک نمی‌کند مگر به دلیل وجود حکمتی، او حکیم علی الاطلاق است و اگر ما را به درخواست کردن و دعا نمودن فرمان داده است، پس به آنچه که مقتضای حکمتش هست، ما را اجابت خواهد کرد.

همچنین هیچ ابزار و وسیله‌ای حکمتت او را عوض نمی‌کند. پس قضاء و قدر عام است و سؤال و دعا از اقسام آن می‌باشد، بنابراین روشن است که دعا مخالف قضاء و قدر نیست. انحای دعا و طلب به شکل ذیل می‌باشد. درخواست و تقاضا یا به زبان یا به حال و یا به استعداد (جوهره) است. درخواست لفظی ممکن است استجابت شود یا نشود؛ زیرا اگر دعا فقط لفظ باشد بدون حال دعا کننده، قابلیت مستجاب شدن را ندارد. اما اگر سؤال و طلب به زبان حال باشد، ممکن است مقرون به اجابت باشد. اما نوع سوم دعا، اگر به زبان استعداد و آمادگی درونی باشد، قطعاً اجابت می‌شود. زیرا اگر خداوند زمینه بدهد، آن زمینه و جوهره را به فعلیت و تحقق می‌رساند. در جایی که می‌فرماید: «وَأَتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَأْتَمَةٍ» و به شما دادیم از هر آنچه که او را به آن خواندید.

یعنی اگر درخواست و تقاضا به زبان استعداد و حکمت و اقتضاء باشد، پس خداوند آن را پاسخ و اجابت می‌کند. بنابراین روشن است که سؤال یا به زبان لفظی یا به زبان حال یا به زبان استعداد است که بخش مهم همان نوع سوم (یعنی دعا به زبان استعداد) است. دعا یک امر عبادی است که در دین و شریعت گنجانده شده است و به لسان قول یا حال یا استعداد می‌باشد و برای هر کدام از اقسام دعا، حکمی است که به آن اشاره شد. در پایان از خداوند متعال مسئلت داریم که اسلام و مسلمین را یاری کند و کفار و منافقین را سرافکننده و خوار نماید و آنها را بر مسلمین مسلط نگرداند و مسلمانان را در پناه حمایت خویش قرار دهد هر آن کس را که بخواهد.



سخنرانی آیت الله اعرافی (دامت افاضاته) در همایش بین‌المللی "دعا در ادیان آسمانی" عبادت، فلسفه خلقت و راز اصلی سعادت بشر است. همه ادیان توحیدی در عبادت به عنوان راه سعادت تاکید دارند. قرآن هم اعلام کرده است که خلقت این عالم و جهان هستی برای پرستش خداوند است. دعا و خواندن خدا، روح عبادت و بندگی است. حقیقت عبادت، با دعا و توجه به خداوند معنی می‌شود.

قرآن بر این اصل تاکید فرموده که بدون دعا زندگی انسان‌ها، زندگی ناقصی است. این اصل برای همه مردم و در همه زمان‌ها و عصرها است و اختصاص به عصر و زمانی ندارد. در عصر کنونی هم که بشر در زمینه‌های گوناگون پیشرفت کرده، باز هم بشر به دعا و توجه به خدا نیازمند است.

من از حضار محترم اجازه می‌خواهم که درباره دعا نکاتی چند را معروض دارم: در نیایش، سه عنصر و رکن وجود دارد: نیایشگر، نیایش شونده و خواسته. دعا هم چنین دارای مراتب و درجات است. در اسلام بر روی درجات و مراتب دعا تاکید زیادی شده است. پس تصور نکنیم که دعا تنها دارای یک درجه است، زیرا از یک نظر دعا تابع شخصیت دعا کننده است، چون انسان‌ها از نظر ایمان و اخلاق دارای درجاتند، پس عبادت و دعای آنها هم دارای درجات و مراتب متعددی است.

از نظر دیگر دعا و نیایش نیز دارای درجاتی است؛ چنان که نیایش از نظر آنچه که انسان از خداوند می‌خواهد درجات و مراتبی پیدا می‌کند؛ چرا که وقتی ما به عبادت و دعا می‌پردازیم و از خداوند چیزی می‌خواهیم؛ خواسته‌های ما متفاوت است. به عنوان مثال اولین درجه دعا خواستن مسائل مادی و دنیوی است؛ اما در درجه بالاتر انسان خواسته‌های برتری را دارد و مسائل معنوی سعادت روحی و اخروی را از خدا می‌خواهد. افزودن بر این دو مرتبه، درجه و مرتبه بالاتری نیز وجود دارد که من ار آن به دعای عرفانی و محبت‌آمیز تعبیر می‌کنم.

در این درجه از دعا و نیایش، انسان خواسته‌های دنیوی و اخروی را از خدا نمی‌خواهد؛ بلکه تنها از خداوند، محبت و تقرب به خدا را می‌خواهد، نیایشگر در این مرتبه تنها از خدا، خود خدا را می‌خواهد. هنگامی که این درجه سوم را دو درجه پیشین مقایسه می‌کنیم؛ درمی‌یابیم که تفاوت‌های ماهوی بسیاری میان آن‌ها وجود دارد:

۱. در تاریخ: ۱۱ ذی القعدة؛ همزمان با میلاد امام رضا علیه السلام؛ کشور سوریه.

در دو درجه اول، ما خداوند را وسیله‌ای برای خواسته‌های دنیوی و اخروی خویش قرار می‌دهیم، اما در دعای عارفانه خواسته‌های ما بهانه‌ای برای گفتگو با خداست.

اجازه بدهید برای تبیین این معنا، مثلی از قرآن و از پیامبر الهی حضرت موسی علیه السلام عرض نمایم. در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره کریمه طه گزارشی از ملاقات حضرت موسی علیه السلام پرسید: این چوبی که در دست تو قرار دارد چیست؟

حضرت موسی علیه السلام در پاسخ به این پرسش ساده، پاسخ کوتاهی را نمی‌دهد؛ چون می‌خواست با خدا صحبت کند. پس به یک جمله کوتاه بسنده نمی‌کند؛ بلکه با چند جمله با خدا سخن می‌گوید و می‌فرماید: "این عصای من است. بر آن تکیه می‌کنم. و با آن گوسفندانم را می‌چرانم. و دیگر نیازهای مرا برمی‌آورد."

عزیزان دعای عارفانه این است که ما خواسته‌های خودمان را وسیله‌ای برای گفتگوی با خدا قرار می‌دهیم. در نیایش‌هایی که از پیشوایان ما نقل شده است، دعا‌های عارفانه بسیاری را می‌توان یافت. از آن جمله نیایش‌های عارفانه دعای جوشن کبیر است. در این دعا بیش از هزار بار نام خدا و صفات و اسامی او بیان شده و او را با همه این نام‌ها صدا می‌زنند. هر چند که در این دعا نیز بنده خواسته‌ای از خداوند دارد، ولی هدف و مقصد، همکاری با خدا و معاشقه با محبوب است. نظیر این دعا در فرهنگ دعا‌های اسلامی زیاد است و صحیفه سجادیه که یک کتاب مهم دعا از امام سیدالساجدین امام زین‌العابدین علیه السلام است، شماری بسیار از این دعا‌های عارفانه را در خود ذخیره دارد.

از نظر دیگر هم دعا دارای درجاتی است. گاهی دعا برای منافع و مصالح فردی و شخصی است، و گاهی دیگر دعا برای جامعه بشری است. فرهنگ اسلامی به ما آموخته است که این نوع دوم از نیایش و دعا، بسیار مهم است؛ زیرا انسان نمی‌بایست در دعا و عبادت، فقط به فکر خود باشد؛ بلکه باید برای همه جوامع ما دعا کرد. دعاها و نیایش‌های ما رمضان از این دست فراگیری برخوردار می‌باشد و مومنان در نیایش‌های خویش همه انسان بکه همه آفریده‌ها را مد نظر خود قرار می‌دهند و خواهان سیر شدن هر گرسنه و سلامت هر بنده‌ای می‌شوند.

من در این جا نمونه‌ای از دعا‌های بسیار زیبای حضرت ابراهیم علیه السلام، پدر ادیان توحیدی را از کتاب مقدس قرآن نقل می‌کنم. در ضمن آیات ۱۲۴ تا ۱۳۰ سوره بقره، دعا‌های ابراهیم علیه السلام منعکس شده است. ایشان وقتی که خانه توحید و کعبه را بنا می‌کرد، خواسته‌های خویش را در قالب نیایش بیان می‌کند. بخشی از دعای ایشان خواسته‌هایی





برای خود و فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام است. بخش دوم دعاها بی است که برای خاندان خویش اختصاص داده است. این بخش به این معنی توجه می‌دهد که هر فردی علاوه بر مسئولیت‌های فردی در برابر خانواده و خاندان خود نیز مسئولیت‌هایی به عهده دارد.

بخش سوم دعای حضرت ابراهیم علیه السلام دارای ابعاد اجتماعی و برای عموم مردم است. در این بخش ایشان به هر دو بعد مادی و معنوی جامعه توجه می‌دهد. در قسمت مادی می‌فرماید: خدایا این شهر را شهری آباد قرار بده و برای آن پیشرفت مادی و اقتصادی مقرر فرما و این جامعه را جامعه ای امن قرار بده. وی در این بخش از خدا جامعه‌ای آباد و امن را مطالبه می‌کند.

و بعد دوم درخواست‌های منوی برای جامعه است. وی از خداوند می‌خواهد تا در این جامعه، پیامبری را مبعوث کند تا مردم را هدایت کند؛ یعنی آن حضرت علیه السلام افزودن بر تامین نیازهای مادی جامعه، تامین نیازهای معنوی را هم از خدا می‌خواهد. در این نیایش، ویژگی‌های جامعه توحیدی و ایمانی بیان شده است و آن حضرت علیه السلام نمونه عینی یک جامعه مطلوب ایمانی و توحیدی دارای ویژگی سه‌گانه زیر می‌باشد:

۱. جامعه‌ای با رفاه مادی و اقتصادی

۲. جامعه‌ای با صلح و امنیت

۳. جامعه‌ای معنوی و اخلاقی

در این آیات، روش نیایش مطلوب و کامل از یک پیامبر بزرگ الهی به ما آموزش داده شده است.

ما امروز هم به چنین جامعه‌ای و به چنین دعاها و خواسته‌هایی نیاز داریم. در همه کتاب‌های آسمانی و ادیان الهی عبادت و دعا نقش اصلی و محوری دارند.

یک نکته ی زیبای دیگر هم در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است. در روایتی از ابراهیم گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: من نتیجه‌ی دعای ابراهیم علیه السلام هستم. ابراهیم فقط برای عصر خود بلکه برای دودمان خود تا آخر تاریخ دعا کرد و بعد از بیش از هزار سال دعای ابراهیم علیه السلام مستجاب شد و پیامبر در مکه مبعوث شد.

دعا هم را خودسازی است و هم راه و روشی است برای تربیت خانوادگی. هم چنین راهی برای اصلاح اجتماعی و برای اصلاح اجتماعی و برای عرضه درست معارف اسلام به دیگران است.

امروز در مطالعات روانشناسی تحقیقات زیادی درباره آثار روانی و روحی دعا انجام شده است این تحقیقات جدید روانشناسی نشان می‌دهد که دعا و عبادت در زندگی روحی و روانی و مادی انسان هم دارای اثر است. در این زمینه هم جای بشر در گرو همگرایی و وحدت است.

من در پایان تاکید می‌کنم که سعادت امروز بشر در گرو همگرایی و وحدت است. مجدداً از همه حضار و برگزار کنندگان محترم تشکر می‌کنم. امیدوارم همگان در سایه وحدت و همدلی در ایجاد تمدن بزرگ اسلامی در جهان معاصر تلاش کنیم و جامعه ایمانی و قرآنی بسازیم.

والسلام علیکم و رحمه الله  
علیرضا اعرافی  
رئیس جامعه المصطفی العالمیه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی